

است که ۶۰ درصد سرمایه‌گذاری‌ها در ترکیه از خارج تأمین می‌شود. در چنین شرایطی طبیعی است که باید زمینه را برای حضور بیشتر سرمایه‌گذاران جدید و البته کسب رضایت سرمایه‌گذاران قبلی فراهم کرد و بدیهی است که این کسب رضایت در موارد بسیاری با اسلام‌گرایی قابل جمع نبوده و نیست.

وجه دیگری از حاکمیت منطق سرمایه‌داری بر الگوی کشورداری ترکیه را باید در میزان کنترل دولت بر گرانیگاه‌های فرهنگی و اقتصادی و... جامعه دانست که در همه موارد به بهانه پابندی به آزادی‌های لیبرالی کمرنگ می‌شود. برای نمونه هرگونه فعالیت فرهنگی - رسانه‌ای اسلام‌گرایان در ترکیه تنها از مجرای هولدینگ‌هایی با قدرت فنی - رسانه‌ای بالا می‌تواند صورت بگیرد که در اختیار کلان‌سرمایه‌داران ترک و شرکای خارجی آنان است. بدیهی است که این شرکت‌های بزرگ هرگز منافع تجاری خویش را قربانی ترویج معارف و احکام اسلام نخواهند کرد.

توریسم یکی دیگر از منابع اصلی تأمین مالی ترکیه است. در سال گذشته میلادی بیش از ۳۰ میلیون توریست به این کشور سفر کرده‌اند که حدود نیمی از آن‌ها فقط از استانبول بازدید داشته‌اند. طبیعی است دولت اردوغان که شعار خود را تبدیل استانبول به مقصد اول گردشگران جهان در دهه آینده قرار داده است، از هر اقدامی در راستای محدود کردن سفر گردشگران اجتناب خواهد کرد. به همین دلیل است که حتی در شهر هزار مسجد استانبول هم چنان تمامی زمینه‌های عیش و نوش برای گردشگران خارجی فراهم است. اگرچه برخی شهروندان استانبولی معتقدند با تدابیر دولت در سال‌های اخیر، کمی از مظاهر این گونه تفریحات - که از نگاه مسلمانان مصداق فسق و فساد است - در برابر دید مردم کاسته شده است. برای نمونه آنان خاطرنشان می‌کنند که نسبت به گذشته، دولت برای صدور مجوز جدید برای چنین مراکزی سخت‌گیری بیشتری به خرج می‌دهد. اما برای کسانی که گذشته این شهر و کشور را ندیده‌اند، اوضاع و احوال امروز حاکی از هیچ محدودیت اخلاقی و شرعی برای گردشگران خارجی و شهروندان ترک نیست.

رابطه با اسرائیل از دیگر تناقضات مدعیان اسلام‌گرایی در دولت ترکیه است. از سویی ترکیه پیش‌نشان‌های اعزاز کاروان دریایی برای حصر غزه می‌شود و در این راه چند آزادی‌خواه ترک نیز به شهادت می‌رسند اما از سویی دیگر در همان ایام سنگین‌ترین قراردادهای تجاری بین شرکت‌های ترک و صهیونیست‌ها منعقد می‌شود. حتی قطع رابطه سیاسی با اسرائیل که به دلیل عدم عزت‌خواهی دولت صهیونیستی از ترکیه به دلیل حمله به کشتی مرمره بود نیز چندان از سوی افکار عمومی خصوصاً روشنفکران ترکیه جدی گرفته نشد. در گفت‌وگوی نگارنده با بسیاری از فعالان سیاسی، دانشگاهی و رسانه‌ای ترکیه آن‌ها متفقاً معتقد بودند این قطع رابطه کاملاً صوری است و در حالی که اسرائیل نزدیکترین شریک تجاری ترکیه است، نمی‌تواند معنایی واقعی داشته باشد. این واقعیت در اولین نگاه به شهری چون استانبول - به عنوان قلب اقتصادی ترکیه - به عینه قابل مشاهده است؛ چرا که در جای جای شهر فروشگاه‌های زنجیره‌ای و شرکت‌های بزرگی که در دنیا با انتساب به صهیونیست‌ها شناخته می‌شوند، حضور دارند و با آزادی کامل به فروش کالا و ارائه خدمات خویش مشغولند. چکیده کلام این که اگرچه دولت‌مردان حاکم بر ترکیه امروزی نسبت به حکام قبلی در حوزه فرديات پابندی جدی‌تر و ملموس‌تری به تعالیم دینی از خود نشان می‌دهند اما هیچ‌گاه اصول و چارچوب‌های لائیسزم را زیر پا نگذاشته‌اند و در روش حکومت‌داری تفاوت قابل ملاحظه‌ای با گذشتگان خود ندارند. آنچه در سیاست‌ها و راهبردهای دولت کنونی ترکیه برجسته است، همچنان و بیشتر نوعی عمل‌گرایی است تا اسلام‌گرایی. رنگ و بوی اسلامی حزب حاکم نیز بیشتر به زمینه اجتماعی که از آن برخاسته بازمی‌گردد تا اتخاذ سیاست‌هایی با ماهیت و هدف‌های اسلامی. البته همین میزان پابندی در حوزه زندگی شخصی و برخی ژست‌های تبلیغاتی در منظر عموم مانند عدم مصافحه اردوغان با رئیس‌جمهور اسرائیل یا سفر به سومالی و اعزام کاروان آزادی به غزه با پشتیبانی دولت ترکیه و... باعث ایجاد مقبولیتی قابل توجه برای اردوغان و دولت وی در بین حامیان مقاومت و اسلام‌گرایی در منطقه شده بود اما با حوادث اخیر که در این‌جا به گوشه‌ای از آن‌ها پرداخته شد، این اعتبار در حال رنگ باختن است.



«سیاست خارجی فعال و مسالمت‌جو» از دیگر محصولات دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه است که تا کنون بر کات زیادی برای ترکیه به بار آورده است؛ چرا که آنکارا در دوران حاکمیت آک پارتی توانست ضمن حضور و حتی مداخله مثبت در تحولات بین‌المللی، خود را میدان‌دار بسیاری از حوادث و تحولات معرفی نماید و هم‌زمان با افزایش نقش آفرینی خود در سطح منطقه و بین‌الملل از این طریق به ایجاد فرصت‌های جدید نیز نائل شود. پرونده هسته‌ای ایران از جمله نمونه‌های شناخته شده این موضوع برای ایرانیان است.

آنچه تا این‌جا گفته شد گزارشی از کارنامه حزب عدالت و توسعه در بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ است که به نام اسلام‌گرایی قدرت را در اختیار داشته است. اکنون باید به ارزیابی نسبت این موفقیت‌های قابل توجه به ادعای اسلام‌گرا بودن آک پارتی بپردازیم. در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که در ایران بسیار بیش از آنچه که دولت‌مردان ترک خود به زبان می‌آورند، بر اسلام‌گرا بودن دولت فعلی ترکیه دامن زده می‌شود. در واقع گویا برخی ایرانی‌ها هستند که می‌خواهند به هر نحو ممکن ترک‌های مسلمان را اسلام‌گرا معرفی کنند. در گفت‌وگو با نخبگان و حتی شهروندان عادی ترک، این موضوع به دفعات برای نگارنده تداعی شده که وقتی سخن از اسلام‌گرایی دولت ترکیه به میان می‌آید، موضع‌گیری علیه آن به روشنی دیده می‌شود. برخی کاملاً آن را نفی کرده و برخی نیز آن را به آن شدت و حدتی که ما ایرانیان تصور می‌کنیم، نمی‌دانند. اگرچه در داخل ایران هم عده‌ای هستند که معتقدند نباید چندان به برخی ژست‌های تبلیغاتی دولت اردوغان دل خوش کرد و آن باور داشت. به هر حال منتقدان ترک و ایرانی که اسلام‌گرایی دولت کنونی را اصیل نمی‌دانند، پس از تحولات اخیر منطقه و موضع‌گیری‌های دوپهلوی دولت ترکیه - خصوصاً همراهی با غرب در براندازی حکومت سوریه به عنوان یکی از کشورهای محور مقاومت - با دست پرتر و مصادیق جدی‌تر از دیدگاه خود دفاع می‌کنند.

آنچه از مجموع عملکرد و رویکردهای دولت اردوغان استنباط می‌شود، بیشتر استفاده از اعتبار اسلام‌گرایی به عنوان یک تاکتیک برای رسیدن به اهداف است تا یک استراتژی جدی و در دستور کار برای تعیین خط‌مشی‌های داخلی و خارجی دولت. البته حتماً این‌گونه است که اردوغان و گروه همکار او در حوزه زندگی شخصی افرادی پایبند به دستورات دینی و تعالیم شرعی هستند و از این جهت تفاوتی جدی با اغلب دولت‌های قبلی ترکیه دارند اما هنوز آنان را یارای ورود جدی به حوزه کشورداری با چنین هویتی نیست. همان‌گونه که اردوغان در سفر چند ماه پیش خود به مصر گفت، «حکومتی که در کشورهای تازه انقلاب شده باید سر کار بیاید، یک حکومت لائیک است؛ مانند آنچه در ترکیه وجود دارد.»

تردیدی نیست که استراتژی و برنامه‌ای که ترکیه برای توسعه خویش در پیش گرفته، بر مبنای جذب حداکثری سرمایه‌گذاری خارجی پی‌ریزی شده؛ تا آن‌جا که آمار حاکی از این